Anees of 17th January, 1946

مدیر و صاحب امتیاز: م، عثمان صدقی

انیس

ماز یگرنی ملی و ریخ پاینه

آدرس: جاده سپه سالار (کوتی لندی) کابل

شمارهٔ (۲۴۰) پنجشنبه (۲۷) جدی ۱۳۲۴ش (۱۴) صفر ۱۳۶۵ق سال نزدهم (۱۷) جنوری ۱۹۴۶ع نمرهٔ مسلسل (۲۳۰۳) قیمت یك شماره ۲۰ پول

سخنان روز

(1) توزیع اعانه زمستانی

مردم ما طبعاً کریمند و بقدر توان آنچه داشته باشند از بذل و بخشش و کرم خودداری نکرده هیچگاه از جادهٔ خیر و سخا پا پس نمی کشند بالخاصه طبقهٔ توانگر و صاحب کرم ما همیشه از کمك بغربا و فقرا و دستگیری به بینوایان و محتاجان در مواسم سردی و سختی که روزگار بشکل سیری میشود دریغ نکرده هر کدام بسلیقهٔ خاص باین عمل خیر پرداخته و بینوایان را بدرمی و گرسنگان را بلقمهٔ نانی مدد رسانده اند. اما ان کار چون بصورت متفرق و پراگنده اجرا میشد بکس معلوم نبود و توزیع آن در داخل یك نظام و سررشتهٔ صحیح صورت نگرفته و برنگی که لازمست بمستحقین آن نمی رسید. ما خواستیم که خواهش نامهٔ ما از طرف توانگران و اهل کرم حسن قبول یافت و دست عطوفت نوع پروران امسال به آهنگ دیگر از کیسهٔ سخا بیرون شد و ذخیرهٔ خیریهٔ بلدیهٔ کابل را خیلی ها تقویه کرد. مخصوصاً ذات شاهانه که بعادت همه ساله از بودجهٔ شخصی خویش برای کمك بغربا و بیچارگان مبلغ ممتنابهی عطا فرمودند این ذخیره را قوی تر ساخت. همان بود که بلدیهٔ کابل پس از بررسی و تفریق بینوایان کار توزیع و تقسیم را شروع و مطابق حال هر شخص و فامیل مقداری پول نقد بایشان داده و برای زمرهٔ کوپون نان سر رشته کرد تا بر طبق آن از مواضع معین بتوانند جیرهٔ مقرره را بدست آرند و در جریان زمستان محتاج و گرسنه نمانند اینست که اطلاع اقدامات بلدیه و صورت توزیع پول اعانهٔ اهل بلده بغربای شهر بصورت ذیل بمار سید:

کابل، طوریکه اطلاع گرفته ایم برای توزیع و جوهیکه از درك عطیهٔ ملوکانه و دیگر اعانه های زمستانی در صندوق خیریهٔ بلدیهٔ کابل جمع گردیده از طرف مقامات صلاحیت دار چنین ترتیب گرفته شده است که قسمتی از آن بصورت پول نقد در بین دو هزار نفر نادار و ناتوان که از طرف هیئت معینه بحیث مستحق شناخته شده اند تقسیم و قسمت دیگر از طرف ریاست بلدیه از حالا تا اخیر زمستان بصورت نان پخته قرار کوپون بمستحقین مزبور از خبازی های معین توزیع گردد. چنانچه توزیع پول نقد قبلاً به ترتیب در ناحیه های شهر بعمل آمده و توزیع نان سر از (۲۰ جدی) جاری شده است.

این کار روائی بلدیهٔ کابل که در سایهٔ رهنمائی حکومت و همت و سخای اشخاص و موسسات کریم ما صورت گرفت یقیناً سختی های زمستان جان گدازرا تا اندازهٔ برای آنانیکه بیشتر دستخوش سردی و تنگدستی بودند آسان ساخت و رنگ فقر و بیچارگی را اندکی زدوده.

نامهٔ ملی انیس این اقدام نیك را که بتاسی از نظریات رعیت پرورانهٔ اعلیحضرت معظم همایونی پادشاه محبوب و مهربان ما و حکومت خیر اندیش، یشان و همکاری دوائر و مؤسسات مختلفهٔ ملی و افراد حساس وطن صورت عمل بخود گرفته است خیلی تقدیر نموده امیدوار است که این اقدام مقدمهٔ اقدام اساسی تر دیگری برای حل قطعی مسئلهٔ بینوایان و گدایان باشد که آنها را از تمام مملکت جمع و تشخیص و طبقه بندی و بمؤسسات مختلفه از قبیل دارالایتام، دارالمساکین و دارالمجزه و غیره مؤسسات خیریهٔ بزرگ و عمومی (علاوه از دارالایتام و دارالمساکین فعلی ریاست بلدیهٔ کابل که موجود است) تقسیم نماید چنانچه قرار معلوم برای تاسیس همچه مؤسسات عمده و اساسی قبلاً از طرف مؤسسات اقتصادی سرمایه هنگفتی هم بنام پول خیریه جمع آوری شده و موجود و آماده میباشد و فقط یك اقدام مشترکی را از طرف مؤسسات و دوائر ذی علاقه تحت رهنمائی حکومت خیر اندیش مابکار دارد.

در خاتمه ما از بارگاه خداوند کریم بکسانیکه درین عمل نیك اشتراك نموده و بکرمی و قدمی و قلمی داخل اقدام شده اند پاداش نیکی می طلبیم و آرزو داریم که در هرجا دروازهٔ خیر پیوسته باز و کریمان دلکشاده باشند.

(2) مراجعت رئیس پارلمان

انگلستان از سفر کانادا و اتازونی

لندن، هربرت موریسن از سفر کانادا و اتازونی به انگلستان مراجعت کرد.

هربرت موریسن رئیس پارلمان انگلستان که اخیراً به اتازونی روانه شد و موقعیکه از سفر کانادا به اتازونی برگشت اظهار کرد که انگلستان در تجارب خود و مدلك دنیا رول مهمی را در زمینهٔ اقتصادی و تجارتی بازی خواهد کرد

(3) اعلیحضرت معظم همایونی

به تقریب جشن ملی سویدن به شاه آن مملکت تلگرام تبریکیه مخابره فرموده اند

اعلیحضرت گستاو پنجم پادشاه سویدن ستوکهلم!

به تقریب جشن ملی سویدن مسرت دارم تبریکات پرحرارت خود ما را با آرزوهائیکه برای سعادت شخص اعلیحضرت و بختیاری ملت شان بدل میپرورانم اظهار نمایم.

(محمد ظاهر پادشاه افغانستان)

(4) ورود بمرکز برای تقدیم راپور

کابل، مدیر کشافی وزارت معدن که برای استخراج ذغال به معدن مرکز اعزام شده بود بعد از استخراج ذغال کار آمد دوائر تعمیراتی بنان و بارمرغو و ذغال کار آمد فابریکه منسوجات نلان و ذغال کار آمد شرکت تهیه مصالح مزار شریف بوسیلهٔ کفی برای تقدیم راپور خویش بوزارت معدن وارد مرکز گردید.

اعلیحضرت جارج ششم امپراطور انگلستان که نمایندگان ملل را در قصر سینت جیمز دعوت داده و وظیفهٔ بزرگ را که نمایندگان پیش رو دارند به آنها خاطر نشان نمود.

(5) تقرر نمایندهٔ امریکا در مجلس اقتصادی و اجتماعی بین الملل

واشنگتن، ترومن و اینت سفیر کبیر اتازونی مقیم لندن را بحیث نمایندهٔ اتازونی در مجلس اقتصادی و اجتماعی مقرر کرد.

(6) ورود سفیر کبیر انگلستان از مسکو به لندن

لندن، دیروز جیمز کلارك کار سفیر انگلستان متعین مسکو به لندن وارد شد و در خصوص مذاکرات بحارست بحکومت انگلستان راپور خواهد داد، عقیده دارند که مشارالیه تا چند هفته در لندن توقف خواهد ورزید و در خصوص مسایل مؤسسهٔ اقوام متحده مشوره خواهد داد.

(7) محاکمه در کوالالمپور

سنگاپور- روز دوشنبه آینده در سنگاپور و کوالالمپور محاکمه مجرمین جنگ جاپان آغاز خواهد گردید.

مبلغین اسلامی در انگلستان

(8) و یوروپ

لورپول، در این اواخر ۱۳ نفر مبلغ الاسلام از هند به اروپا اعزام گردیده و آنها لااقل شش ماه را در انگلستان بسر خواهند برد و در نقاط مختلفهٔ انگلستان نطق ها ایراد و تلقینات اسلامی خواهند کرد.

بعد از عرصهٔ مذکور مبلغین اسلامی به اروپا خواهند رفت و در عرصهٔ لااقل سه سال در اروپا تلقینات اسلامی خواهند کرد.

(9) اتازونی جزائری را

که در بحر الکاهل بکار داشته باشد تا ضرورت دارد نگه میدارد

واشنگتن، ترومن اظهار داشت که حکومت اتازونی تا وقتی کنترول جزائر حوزهٔ بحر الکاهل را در دست خود خواهد داشت که برای حفاظت اتازونی آنرا لازم ببیند.

(10) مسئلهٔ ایران و کمیتهٔ ضمانت

می خواهند مسئلهٔ ایران توسط مذاکرات دیپلوماسی حل شود والا از رویت به کمیتهٔ ضمانت گریزی نه خواهد بود

لندن، عقیده دارند که در عقب پرده مذاکرات جاریست تا مسئلهٔ اتحاد شوروی با ایران حل گردیده و ازین جلوگیری بعمل بیاید که مسئلهٔ ایران بمجلس ضمانت که تازه انتخاب شده رویت داده شود. روزنامهٔ دیلی تلگراف مینویسد که ارنست بیون وزیر امور خارجهٔ انگلستان در بیانیهٔ موعود خود بحضور اسامبلهٔ اقوام متحده که امروز ایراد خواهد گردید بر مسئلهٔ ایران تماس نماید. حکومت ایران به نمایندهٔ خویش هدایت داده که مسئلهٔ ایران را بمجلس ضمانت رویت دهد و اگرچه مجلس ضمانت درین تازگی انتخاب گردیده و پیش کردن مسائل خیلی نازك و پیچیده به آن مناسب نیست اما اگر قضیه بکدام صورت دیگر راه حل بخود نگیرد ازین چاره نخواهد بود که بمجلس ضمانت رویت داده شود.

(11) رومانیا می خواهد مطالبات

کفرانس مسکو را به صداقت عملی کند

بخارست، گروز صدراعظم رومانیا به نمایندهٔ یونتر گفت حکومت رومانیا اراده دارد که مطالبات کفرانس مسکو را در خصوص روی کار آوردن آزادی های دیموکراسی و انتخابات بصداقت تعمیل نماید.

(12) استعفای وزیر فامیلی امپراطور جاپان

توکیو، وزیر فامیلی امپراطور جاپان که نظام دارائی فامیل شاهی را اداره مینمود دست از کار کشید.

دکتور سیاك وزیر خارجهٔ بلژیك که بریاست اسامبلهٔ عمومی انتخاب و در ان موقع نطقی ایراد و علت ناکامی مجالس بین الملل گذشته را خاطر نشان نمود.

(13) نطق صدراعظم ایران

در جلسهٔ علنی شورای آن مملکت

رادیو تهران: امروز جلسهٔ شورای علنی تحت ریاست آقای قاسم مدنی نائب رئیس تشکیل جلسه داده و پس از آنکه هیئت دولت در مجلس حضور بهم رسانیدند. آقای نخست وزیر در عقب میز خطابه قرار گرفته و نطقی به شرح ذیل ایراد فرمودند:

آقایان محترم طوریکه اظهار می نمایم آمال این جانب در قبول این مسئولیت عبارت از عشق به مملکت و قیام بخدمتیکه بیگانه آرزو دارم روی بهبودی اوضاع کشور قرار داشته و بر اساس همین نظریه به تمایل شورای ملی درین دوره پر آشوب خواب و راحت را بر خود حرام ساخته و به فرمان اعلیحضرت همایونی اطاعت کردم و در تمام مدت که این جانب این مسئولیت را به عهده دارم تا کنون جز در راه خیر جامعه قدم دیگری برنداشته و پیوسته از هیچ گونه مساعی در راه رفاه عامه و بهبودی وضعیت دریغ نکرده ام و با کمال وطن دوستی حتی الامکان در اجرای وظایف مساعی زیادی بخرج دادم. درباره سیاست داخلی کشور گفته میشود که آیا امکان دارد با این همه آشفته گی های مملکت کاری از پیش برد. این موضوع چنانیکه می بینید حاجت به بیان نداشته و طوریکه ملاحظه می فرمائید این جانب تا اندازه ممکنه درین راه از هیچ گونه کوشش دریغ نکرده و برای اینکه در وحدت ملت و مملکت سکنهٔ وارد نشود از هیچ نوع مشکلی نیندیشیده ام. آسایش خیال ورفاه ملت ایران و وقوف بیك رشته اساسی است که هر قدر تعجیل نمائیم باز هم دیر شده است. وظیفهٔ شورای ملی و عموم افراد اهالی ایران است که در هر دقیقه درصدد دفع اختلافات بر آمده دست یگانگی و هم آهنگی و او از هر طبقه و قوم و موضعی باشند به هم داده و تمامی مشکلات موجود را برای حفظ استقلال و وحدت کشور که نتیجه جنگ و موجودیت حضور نیروهای خارجی در خاك ایران است از راه اتحاد و اتفاق بردارند. بایست عیب گوئی و خورده گیری را کنار گذاشت.

سیاست خارجی دولت بروی حفظ حدود استقلال و تمامیت کشور و ارتباط حسنه با تمامی ممالك مجاور مخصوصاً با هر سه دول دوست و متفق ما انگلستان، امریکه و روسیه قرار گرفته اینك مناسبات ما با دولتین مجاور عظیم الشان انگلستان و اتحاد شوروی کاملاً مساوی بوده و بر پایه مودت استوار گردیده است دولت کمال جد و جهد بعمل آورد تا مناسبات خود را با روسیه برقرار ساخته و غبار از آئینه صمیمیت بزداید اما با کمال تاسف اظهار می نمایم که تا کنون شاهد این مقصود در آغوش ما در نیامده است مجاهدت ما در تهران و مسکو بجائی نرسیده است.

ما و ملت ایران تقاضا داریم تا دول بزرگ انگلستان، امریکا و روسیه پیمان سه جانبه را علامیهٔ تهران را عملاً و لفظاً درباره این کشور بیندیشند عملی نموده ما را از کمك های خود برخوردار ساخته و هرچه زودتر نیروهای خود را از خاك ایران خارج سازند تا دولت بدون مداخله خارجی در راه اصلاح مملکت موفقیت حاصل نماید.

در هر صورت تا امروز هر گونه سیاستی چه داخلی و چه خارجی که بازی شده بمنظور شورای ملی صورت گرفته است اکنون قرار یکه احساس می نمایم اختلاف نظری درباره دولت این جانب وجود ندارد. کابینه می باید فکر دیگری کرد و راه دیگری جستجو نمود مشکله کاملا مربوط و منوط به شورای ملی است هر تصمیمی که مجلس اتخاذ کند اینجانب مطیع هستم بنده حاضرم به تمایل مجلس و امر اعلیحضرت همایونی بلا درنگ کنار بروم نکته که قابل اهمیت است و بایست این جانب از روی وطن پرستی اظهار نمایم این است که علل بیشتر صدمات متوجه به کشور ایران عبارت از عدم اطاعت و اعتماد بوده است. تمنی دارم مجلس شورای ملی هر تصمیمی که برای منفعت ملت و بهبودی کشور ایران لازم می دانند بگیرند و در موقع معینه که برای این جانب تعین میفرمایند جواب بدهند. سپس

بقیه در صفحه ۴

(14) اعزام هیئت از عراق به ترکیه

برای مذاکرات

بغداد، حکومت عراق اراده دارد که یك هیئت عراقی را به ترکیه بفرستند تا درخصوص مسایلی که نایب السلطنهٔ عراق در سپتامبر گذشته با اولیای امور ترکیه مذاکره نموده بود بحث مفصل بنماید.

(15) قبول دعوت جهت شمول در کفرانس تجارتی بین الملل

واشنگتن- وزارت خارجه اتازونی اعلام نموده که چکوسلواکیا و لکسمبرك دعوت اتازونی را جهت شامل شدن در مذاکرات رفع موانع تجارتی که در تابستان آینده بعمل خواهد آمد قبول کرده اند.

(16) ادامهٔ دورهٔ هیئت پارلمانی انگلستان در هند

دهلی جدید، دیروز ۵ نفر عضو هیئت پارلمانی انگلستان ذریعهٔ طیاره از (لاهور) به بمبئی وارد شده و باسر هومی مهتا مذاکرهٔ رسمی آغاز کردند. پنج عضو دیگر هیئت مذکور در دهلی جدید تا عرصهٔ ۹۰ دقیقه با اعضای مجلس پارلمانی حزب کانگرس ملاقات کردند و امروز آنها با مولانا ابوالکلام آزاد ملاقات خواهند کرد.

نقراشی پاشا صدراعظم مصر که اعضا وفد مصر جلو منزل او مظاهرات شدید برعلیه حکومت موجوده نمودند.

از کامن سنس

ترجمهٔ ښاغلی ع.ل

چگونه میتوان

(۱۶)

از

یك جنگ اتومیك احتراز نمود

-۳-

نگارنده برای حفظ وبقای مدنیت فقط یك امیدی می بینم وآن این است که اتازونی درا ثنای چند سال دور ۀ تفریغ وتفریح خود یعنی پیش از آنکه دیگر قوت ها دارای بم اتومیك گردند باید یك پالیسی قوی وبرومند وکم وبیش امپریالستی راتعقیب کند.

باید از ین سالها برای تعمیر کردن چنان یك سلطه وا توریتهٔ بین المللی درتحت قوهٔ امریکائی، استفاده و کار گرفته شود، که ملل ودرحالیکه مرگ را بر روش فکر کردن ترجیح ندهند طوعاوخود بخود بوجود بیایند.

نگارنده کوشش خواهد کرد بعضی از تجاویز وتدابیری را (طوریکه بنظر من می آید) به بینتو واشنگتون، (اگر نخواسته باشد نیویارك، فیلادلفیا، شیکاگو وسانفرانسسکو درظرف ده سال دیگر به خاك تودههای دود وغبار آلود مملو از عفونات تبدیل شود) اتخاذ نماید خلاصه نماید.

اولین چیز یك قهر ما نیت نظامی دیموکراسی است. درهمه قلمروهای خارج از منطقهٔ نفوذ روسیه این چیز باید اول باول در اروپای غربی بشمول هسپانیه که در آنجا فرانکو دیکتاتور اغماض کرده نشود، بکار برده شود. این چیز در ایطالیا ویونان که لازم است در آنجاها درسراصل آزادی کامل انتخابات اصرار کرده شود باید استعمال گردد. واشنگتن باید تیقن حاصل کند که هر چیز ممکنه در مورد آزادی هندوستان وآزاد ساختن رژیم وتوریتارین (رژیم دارای ماهیت سلطه) چیانك کای شیك سیل آمده وکرده شده است. در هر جائیکه ممکن شود باید امریکائیها بر طرز انتخابات آزاد از نیرو ریزم وبا سول رجستر صحیح و دیانت کارانه اصرار کنند. هر یك کوشش ما بعدی برای تاسیس نمودن حکومت غیر دیموکراسی وبوسایل وذرایع غیر قانون اساسی باید (اگر ضرورت شود) ذریعهٔ قوه معتاصل کرده شود. از طرف دیگر ممالکی که دارای حکومات دیموکراسی هستند باید درتحت شرایط معین ومخصوص از حمایت امریکائی در مقابل تعرض خارجی متیقن ومطمئن گردند. شرایط باید ازین قرار باشد که اطمینان وتیقن بدهد که قوای مسلح اینممالك خواه بصورت مستقل وخواه بالالحاق واشتراك با کدام قوهٔ دیگر برعلیهٔ امریکا استعمال نخواهد شد. باینصورت یك لیگ حاوی دنیای انگلیسی زبان، (نیم کرهٔ غربی، اروپای غربی وجنوبی، هندوستان وچین) بزودی تعمیر شده میتواند. فواید و منافع دوستی امریکا و مضار وخرابیهای خصومت ودشمنی امریکا در اثنای چند سال دیگر بقدری بزرگ خواهد بود که ممکن است در تحت شرایط لازم برای حصول حمایت امریکا از بانی اینتا زهای معین و مخصوص من سلطه مخصوصاً در مسایل مربوط به قوای مسلح و پالیسی خارجه مطالبه وتقاضا کرده شود، ولی این تقاضاها صرف از نوعی خواهد بود که برای ممانعت وجلوگیری جنگ ضروری دیده شود.

قضیهٔ سوال وروابط با روسیه باقی خواهد ماند. حکومت روسیه با کاپیتالیزم ودیموکراسی مخالف میباشد واین نکته این معنی را میدهد که اگر کدام اشتراك مساعی خالص و بیغش بین روسیه وامریکا وجود داشته میباشد هریك لابدحق طرف دیگر را به سیستم آن وبه منطقهٔ نفوذ آن اقرار و اعتراف خواهد نمود. این اولین قدم خواهد بود، ولی امنیت و مصونیت دنیا تامین نخواهد گردید مگر وقتی که یك تجمع وتمرکز قوای مسلح ویك قوهٔ مسلح بین المللی که حق یگانهٔ کنترول همه چیزهای متعلق ساختن واستعمال بم های اتومیك را دارا باشد بوجود بیاید.

چیز محتاج الیه ومورد ضرورت در صورتیکه بنا باشد جنس بشر از دهشت ومیالکت مصون ومحفوظ باشد، کنترول بین المللی تمام ذخایر یورانیوم ویاهر آنچیز دیگر یکه بعد ازین برای ساختن بم اتومیك موزون یافته شود، میباشد. این کنترول نه محض دیپلوماتیکی وپولیتیکی بلکه نظامی باید باشد، باید اردوها، بحریها، قوههای هوائی که در ترکیب آنها ملتها بصورت صمیمانه مزج و مخلوط شده باشند وجود داشته باشد تا آنکه کدام واحد و کدام قطعه یك تمایل وخواهش ملی را بکار انداخته نتواند. باید حق تفتیش تسلیحات ملی که این تسلیحات هم لابد ضرف از اسلحههای نوع کمتر مخوف متشکل خواهد بود وجود داشته باشد باید مداخله مسلح آنی وبلادرنك بر علیه هر یك دولتی که قوانین متفق علیها در مورد تسلیحات ملی را نقض کرده باشد بعمل بیاید.

اگر وقتی که به همهٔ این چیزها موفقیت حاصل میشود، آنوقت بم اتومیك وبا هر یك جانشین او واو هر قدر مخوف و مرگبار هم باشد برای صلح وامنیت یك ضامن و گارنتی خواهد گردید. ولی تا آنوقت اکتشافات علمی برای تهدید نمودن عین موجودیت و هستی همه جوامع بشری ادامه خواهد داشت.

بسا مردمان بنظریه یك قوای مسلح بین المللی (باین دلیل کهما دا این قوه خود را بیك دیکتاتوری فاشستی تحویل بدهد) احساس اعتراض وتنقید میکنند. شك نسبت که چنین یك خوفی موجود است، در قرن هفدهم در انگلستان بر علیه یك اردوی حاضر السلاح ملی تنقید کرده شد. ولی انگلیس وامریکا در تاسیس نمودن کنترول مصونانهٔ پولیتیکی در بالای قوای مسلح شان موفق گردیدند وهمان متودها واصولات در مورد یك قوهٔ بین المللی نیز بکار برده شده میتواند.

از افسانههای شکسپیر

مترجم: یکی از بانوان فاضله

داستان انیس

(۱۸)

ایلیریا

(٤)

بیچاره خانم اگر یك خواب و خیال را دوست داشته باشد نسبت به دوست داشتن من بهتر است. بادار من اورا بدرجهٔ دوست دارد که تنها مامفتون ومجذوب او میباشد من بیچارهٔ بدبخت بادار خود را بان درجه دوست داشته مخفیانه وصبورانه تحمل عشق اورا می نمایم وآن خانم بیچاره سهواً بین دلباخته وبدون اراده شیفته من گردیده. آه افسوس من وغمهای فراوان و آههای آتشین من، بعداز آن انگشتری رابها حتیاط تمام بجیب واسکت خود گذاشته تبسم معجزانه نموده وروان گردید. دوراه باخود فکر میکرد واین را میخواند. آوه زمانه تو باید این بیچیدگی هارا صاف کرده واین گره رابکشائی که ازقدرت من خارج است.

دیوك آن زمان بهشنید. موز یك مشغول بوده وبرایش بسیار بسیار دلچسپ و تسلی بخش واقع شده بود. این غذائی محبتش بود که روح اورا شفامی بخشید واز استماع آن الحان و اصوات خوش دل ودماغ او ازتمام فشارهای هجران آزاد شده. و کاملا بطرف معشوقه اش متوجه بود دراین وقت رولی خود را بطرف ویولا گردانیده گفت اینجا

مترجم: ښاغلی غلام حسن خان مجددی

-۲۰-

مباحث علمیه

(۱۹)

تربیه و تکامل

تربیه وجمعیت

تربیهٔ که درحیوانات است، سوق های طبیعی آنهارا تحریك نموده وانکشاف این سوق های طبیعی راتسریع مینماید. ولی این تربیه، نمیتواند به حیوانات مفکوره های ازقبیل اخلاق، لسان وغیره بخشیده واکتساب ملکاتی را که به ترکیب این مفکوره ها دخیل است مانند ذکاء حس وارادهٔ تأمین نماید وبالعکس تربیهٔ که درین انسان ها جریان دارد میتواند این جهات راتأمین کند چه تربیهٔ انسان تنهان به تحریك و تسریع سوق های طبیعی اومنحصر نمانده بلکه این انسیاقات طبیعی راباذکاء مربوط گردانیده، ملکات جدید وقابلیت های مدنی به وجود می آورد وازین نقطهٔ نظر در تربیهٔ حیوانات خاصهٔ وجود دارد که به کشف طبیعت می پردازد ودر تربیهٔ انسانها خاصهٔ موجودست که طبیعت راتعدیل وتنظیم نموده وحتی به ابداع مبادرت میکند پس برای ایضاح تربیهٔ انسانی لازم می آید که طبیعت انسانی رافدری ایضاح کنیم.

انسان چیست؟ میگویند، انسان حیوان ناطق است، فی الواقع یگانه وصفی که انسان رااز حیوان امتیاز می بخشد همین نطق است ولی این را هم مدنظر باید داشت که انسان تنهادارای نطق نبوده درعین حال دارای دین، اخلاق، ذوق ومسلك نیزمی باشد وملتفت باید بود که این ملکات عبارت ازقوای مادی وعضوی نبوده بلکه قوائیست معنوی ومفکوروی که محصول مدنیت هستند چه درجائی که مدنیت وجود ندارد هیچ یکی ازین هارا نمیتوان سراغ کرد، پس بهر درجهٔ که مقولهٔ «انسان حیوانی است ناطق» صحیح باشد جملهٔ «انسان حیوانی است اجتماعی» نیز همان درجه بلکه بیشتر ازان دارای صحت است.

ولی از ین جمله میتواند دو گونه معنی استخراج گردد، یکی اینکه انسان خلقتاً مقتدر به حیات اجتماعی است و دیگری اینکه انسان خلقتاً مستعد برای حیات اجتماعی میباشد ومعلوم است که درین مقتدر و دین بحیات اجتماعی ومستعد بودن برای حیات اجتماعی فرق کلی وجود دارد. نظر به معنای اول انسان طوری متولد میشود که ناطق، دیندار، دارای اخلاق وصنعت کار باشد یعنی برای یك حیات اجتماعی مقتدر باشد ونظر بمعنای دوم اگرچه انسان بااستعداد نطق، دیانت، اخلاق وصنعت بدنیا می آید ولی این استعداد ها هنوز انکشاف نیافته وبحالت افتاده اردر نیامده اند، بمثابهٔ اینکه درتخم انجیر استعداد انجیر شدن موجود بوده لیکن وقتی افتاده آنرا داشته میباشد که بحالت درختی در آید.

ونیز ممکن است طفلی استعداد فوق العادهٔ برای رسامی داشته باشد ولی این استعداد وقتی بحالت افتاده در می آید یعنی طفل وقتی رسام میشود که فن رسامی را تحصیل نموده ودر آن بارهٔ ملکه پیدا کند.

پس باید غور نمود که در طفل انسان استعداد موجود ست ویا افتاده؟ یعنی آیا طفل برای یك حیات اجتماعی مقتدر ست ویا اینکه تنها برای آن مستعد میباشد؟ و نیز شخصی که برای حیات اجتماعی مقتدرست کیست؟

شخص رشیدی مقتدر برای حیات اجتماعی است که دارای فکر، حس، واراده بوده، لسان، دین، اخلاق، ذوق، بدیع، ومسلکی را در جامعهٔ ویا ملتی که به آن منسوبیت دارد فرا گرفته باشد، حالانکه طفل هنوز بدرجهٔ رشد نرسیده ودر اوملکاتی ازقبیل لسان، دین، اخلاق، ذوق، بدیع وغیره تشکل و تأسیس نکرده است، مع ذلك درطبیعت طفل مانند چوچهٔ سائر حیوانات یکدسته قابلیت هائی نیز وجود دارد، طفل اگرچه فعلا اقتداری برای حیاة اجتماعی ندارد، لیکن مانند حیوانات دارای یك حیاة بسیطه ضوی میباشد، مثلا اگر طفل نمیتواند مانند یك آدم تکلم نماید، میتواند مانند یك حیوان صدائی برآورد، واگر نمیتواند مانند یك آدم راه برود، میتواند مانند حیوانی حرکت نماید وسینه جلو برود، واگر نمیتواند مانند یك آدم کدام موضوع فکری را مدتی تحت تدقیق ومطالعه قرار دهد، میتواند مانند یك حیوان به تجسس اشیای محیطی پرداز د. واگر طفل دارای حس مدنی که آن رابذوق بدیع تعبیر مینمائیم نباشد، فطرتاً دارای قابلیتی هست که از الوان واشیای درخشان ورنگین حظ گیرد، خلاصه طفل را ازیکدسته فعالیت های روحی ویك حیات مخصوصی بوده وقبل از تربیه شدن نیز یك مخلوق فعالی میباشد.

طفل تمام چیز را ازمحیط فرا نگرفته بلکه یکدسته قابلیت هائی نیز باخود میاورد واین قابلیت ها عبارت از تمایلات وانسیاقات طبیعی میباشد، این تمایلات وانسیاقات مانند ملکات دینی، اخلاقی وغیره اثر محیط و تربیه نبوده بلکه این عضویت است، واین سوق های طبیعی مانند یکدستگاه میکانیکی به فعالیت می پردازد، مانند اینکه یك جوجهٔ مرغانی برای اولین دفعه بمجرد دیدن آب خودرا بران میاندازد، طفل نوزاد نیز بمجرد تماس پستان و الدهٔ به مکیدن آغاز میکند، پس طفل دارای طبیعت مخصوصی است که سوابق معینی دارد، واین سوابق طبیعی که بمنزلهٔ سرمایهٔ طبیعی حیات محسوب میگردد برای طفل فواید زیادی دربر دارد، طوری که سوق های طبیعی حیوانات برای آنها لزوم حیاتی دارند سوق های طبیعی طفل نیز برای حیات او ضروری میباشد، مثلا تحریك حیوانات بذریعهٔ سوق های طبیعی یکدسته حرکات ضروریه «از قبیل خوردن و نوش، خوف وفرار» اجرا مینمایند که بذریعهٔ آنها حیات خودرا ادامه میدهند، طفل نیز بذریعهٔ سوق های طبیعی خود حایز یك حیات حیوانی میباشد.

ملتفت باید بود که طفل نمیتواند تنها بذریعهٔ سوق های طبیعی به حیات جمعیت معتاد شود، چه تاوقتی که سوق های طبیعی به وسیلهٔ تربیه تنظیم نیابد برای یك حیات اجتماعی کفایت نمیکند، واقتداراتی از قبیل لسان، دین، اخلاق، ذوق، مسلك وغیره که محصول جمعیت و تربیت است تشکل نمی یابد، پس درحالیکه حیوانات محکوم یك حیات عضوی وانسیاقی هستند، طفل دارای استعدادی است که میتواند ملکاتی ازقبیل لسان، دین، اخلاق وغیره را اکتساب نموده وبدین وسیله حایز یك حیات اجتماعی گردد.

مترجم: ښاغلی غلام حیدر خان رشیدی

محصل طب

صحیات

(۹۲)

تاریخچهٔ تب

ملاریا

-۳-

کوخ طبیب جرمنی، بتاریخ ۲۲،۲۱،۱۸۹٦ درشهر ریکا تولد گردیده.

نخست یکی از طلاب موسسهٔ امبورگ بود.

احصائیهها وانتشار جغرافی ملاریا:

ملاریا عبارت از یك مرضیست که درهر پنج قطعه زمین بصورت اندمیك (بلدی) منتشر میباشد. تنها در بعضی جاها نسبت آن کم وبیش تبدل کرده میتواند. درممالك متمدنه در ابتدا باین مرض خیلی تصادف میشد اما بعد از مجادلههای متمادی واقعات ملاریا کم شده رفت، مثلاً، (دراروپا) نظر بیك احصائیه درسال ۱۹۰۰ در سر زمین ایطالیا ۱۵٤٦۵ نفر بملاریا مصاب شده که این تعداد در سال ۱۹۱۰ به ۳٦۱۹۰ نفر تقلیل یافت. نظر بیك احصائیهٔ روسیه در ۱۹۲۷ تعداد مریضان ملاریائی شان ۳۰٦۹٤۰۰٤۱۸ بالغ میشد. که دراثر مجادلهٔ کمیسیون برعلیه ملاریا مصاب تا سه ملیون تقلیل پذیرفت.

ملاریا بالخاصه در ترکستان - کریمیا وقفقازی بعداز حرب عمومی اول خیلی یك شکل رخم بخود را گرفته بود در مملکت یونان سالانه هشت صدهزار نفر بملاریا مصاب می شوند.

درفرانسه درحصص سالگون - وندلاند کارسیکا وبرجرمنی وانگلستان در بعضی جاها ملاریا دیده میشد اما بعد از حرب عمومی ۱۹۱٤ - ۱۸ دراثر مهاجرت های مختلف وسوق الجیشی ها تقریباً ملاریا در تمام حصص آنجاها انتشار یافت.

درممالك جنوب شرقی اروپا اکثراً در اوکراین و بالقانات ملاریا موجود ست. در ۱۹۱٦، ۱۷ دراردوی شرقی المان در سالونیك یك اپی دمی فوق العادهٔ بزرگ دیده شد. که دراثر آن ۵۰۰ نفر هلاك گردید. ازانجمله در ۲۵ واقعه فتح میت اجرا شده و دربارهٔ تشریح مرضی ملاریا تدقیقات مهمی بعمل آمد.

درپرتگال بسیار بسیار نیز موجودیت ملاریا ذکر گردیده است. ایطالیا اولین مملکت اروپاست که در آن ملاریا بکثرت دیده میشود مثلاً درمنطقهٔ بلوخی نسبت مرض بهشتاد فیصد میرسد ودر سیسلی وسارد نیا ازین بیشتر شده میتواند.

در آسیا:

درشمالی آسیا، سیبریا و کچنکاو آسیای وسطی دیده نمیشود. در نزدیك خط استوا درشرق وغرب محراق های مهمی دیده میشود، درسواحل بحر سیاه وبحر سفید، دروادیهای فلسطین میزوپوتامیا - دجله وفرات - در کوهستانات ایران - عربستان وافغانستان - ترکستان بکثرت دیده میشود (البته اگر حیات باقی بود ملاریای افغانستان را دریك مقالهٔ دیگر مفصلاً ذکر خواهیم نمود). درهندوستان برطانوی و دانای - گنگ نیز آنقدر زیاد می باشد که مار گه دنام وخامت آنرا شش دفعه زیادتر نسبت بمرض طاعون رادا نسته است.

دنشر یاتو دلنوی مدیریت والیزنه

دهلکانو

(۹۱)

لارښوونکی

ښاغلی ن ترهکی ترجمه

-۵-

اوناته ئی درواستوم اوس لمرنی لیك در لیزم اوسمی به کوم چه واضح نی درته ولیکم چه دهغه به لوستلو کښی مشکلات نه وریښی اوهم به کوښښ وکوم چه ساده کلمات به خپل لیك کښی وناکم چه نه او نوستا همخولی ؛ ولزمایه مقصد باندی وپوهیږی او هم ستال پوښتنی ته سم اوښه ځواب در کړی سوی وی هغه وخت چه ستاد پلار رفقه راورسیدم زه دزلمیانو دیاره دیوه کتاب به لیکلو باندی بخت وم اودده خواهش تر یو اندازی پوری زما برخیالات باندی شم اوموافق سو.

لمرنی لیك می ددې رفعی سره ددولیږی خدای تعالی دی تا به خپل رحمت کښی به ښه توگه وساتی چه دده له بند گانو ښخه یو صالح اوښه سوی سی.

ستا ملگری مصنف

لمری لیك

گرانه گلاله!

پوښتنه چه تا کړی ده دار ازپوښتنه ده چه هر څه برك اوپوه ملك اوهوښیار نجلی هغه له لمانه اوله نورو څخه کوی داسوال داپول دی هله که اوهم پول دنیا تا راغلو ، دا پوښتنه هم طبیعی ده اوهم زرلمای ده اوهر یو سړی حق اری چه دده ودې سوال ته ر ښتنی اوحقیقی ځواب ور کړل شی چه به ښه توگه به معنی وپوهیږی یقین لرم هغه ملگان چه یو موروڅلار اوښه ملگری ؤ دوستان اری اودده وی وپوښتنی ته سم اوصحیح ځواب ور کړی اودده ضمیر له فاسد واوناوړو افکارو څخه چه د ښیو لو ملگانو اوزلمیان به ضلع کښی خپاره او رانچو ی خلاص اوپاك کی سعادتمن اوخوش بخته بل کیږی.

فرضاً که ته پوښتنه وکړی چه موټر ، الوتکه اوریل ، تلگراف اوتیلفون څه ډول اوله که پیدا سوی دی نو محض ددې دپاره چه به مطلب بشپړ پوه سی اوښه ځواب ستاددی پوښتنی به مقابل کښی در کړی سوی وی باید ددې شیانو به اصل کښی تحقیق اوخبر نه وسی چه پوه سی چه ددې گیورو وسایلو به اختراع اوجوړولو کښی مختر عینو څه وکړه چه دې اند ازی ته ئی تکامل ومو نده او په ښه نو که د هغو شیانو په مختلفو دورو باندی پوه سو همدارنگه محض ددی دپاره چه ستاد سوال ځواب چه نو نیز له که پیداسوی و به ښه رازاذا کړی سوی وی نو ښه به وی چه ماوتا واصل مطلب ته رجوع وکو اوپوښتنه وکوچه لمری سړی آدم اولمرنی نجله حواله که پیداسول البته به یخپله پوهیږی چه آدم ؤ خو خدای پیدا کړه هغو او د دپیدایښت حال به دی به اوی اومقدس کتاب کښی اوستی وی خو یهغه قرآن کښی نور داسی مطلوبه سته چه هغه بقیناله ناهیر سوی اویا نه ئی به پوهیدلی نوراشه چه دهغو مطالبو شرح سره وکړو اوهغو و کیفیت به احوال باندی پوه سو، وگه خاوند به وپوهوو. آسمانونه او ځمکی خدای تعالی پیدا کړی دی خو دپیدا کولو اوجوړولو ترمنځ دیر فرق دی مثلا که یو معمار یوه خونه جوړوی نو دهغی دپاره به ډیری خنی لرگی او نور

آنقدر محبت شمارا بردل داشته باشد که شما داغ عشق او لیوبارا بردل دارید. (وشاید که این تصور حقیقت هم داشته باشد) محبت خودرا شروع نموده وخواهان الطفات شما گردد، شما بگوئید تو محبت وعلاقه مندی ندارم، او قبول نکند و بگوید من هرگز منع نمیشوم. پس چه قسم میشود؟ دیوك گفت یوه، اوه، این تصور غلط است تیری که از عشق او لیویا بقلب من حواله شده بهلوی هیچ زن برداشت آنرا نمی تواند. اگر یك زن مرا دوست بدارد.

هرگز عشق ومحبت اوبدرجهٔ محبتی که من با اولی ویا دارم نخواهد رسید.

ویولا به تعجب به طرف او نگریسته واز چشمهای او آثار لطف ومحبت هویدا گردیده گفت من میدانم ومکث کرد. دیوك گفت چه میدانی؟ گفت خوب میدانم مقدار عشق ومحبتی را که زنها به مردها دارند، بعدا سوگند که آنها به عشق ومحبت، وفا وصمیمیت آقدر ثابت وصادق هستند مثلیکه ما مردها هستیم. پدرمن یك دختر داشت وآن بیچاره به عشق کسی مبتلا گردیده بود. واین یك امر طبیعیست که بعض زنها بعض مردهارا دوست میداشته باشند، چنانچه اگرمن زن میبودم خودجناب شمارا دوست داشته وعاشق تان میبودم. ویولا توقف نمود ودیوك به بسیار دلچسپی پرسید.

پس قصهٔ اوچگونه بوده وبکجا انجامید. گفت! آقای من بسیار ساده، آن بیچاره راز محبت را درقلب پر ازعواطف خود مرکوز ومکنون داشته، وبه هیچکس اظهار ننموده تا اینکه مانند غنچه های که ازباد سرد پژمرده میشوند رخساره های لطیف وگلگون او ازغایت تفکرات وغم پژمرده شده از کثرت هموم وآلام بالتدریج بایك وضع رفت

بیابچهٔ، اگر تاهی عاشق شده باشی این نغمات رابشنو واز شنیدن این الحان پر سوز ودرد انگیز متاثر گردیده مرا مستحق بدان چطور تو این نغمه راخوش داری وقتیکه ویولا گوش گرفت آنرا بر ازامکاس عشق وماجرای محبت یافته بس متاثر و متحسس گردید دیوك بطرف اودیده ورخسارهای اورا فوق العاده سرخ شده یافت. و گفت سوگند باومیکنم اگر چه تو خورد سال هستی مگر عاشق شدهٔ اینچنین نیست؟

ویولا به بسیار حیا وخجالت جواب داده بلی آقای من با حسان شما قسم است دیوك ازاینکه کس دیگری را که بدلش از نشان محبت داغی بودیافت بسیار خورسند شده پرسید چه قسم آدم است ومعشوقهٔ شما چه شکل دارد. اوی اولا بطرف اونگریسته گفت هم شکل وهم چهرهٔ خود شما است، آقای من. دیوك خنده کرده گفت، پس لیاقت ترا ندارد ایعد ازآن پرسید چه طور است سن او؟ وی اولا به تعجب تبسم نموده گفت بر ابر بسن شما. دیوك بملاطفت بشانهٔ اوزده گفت، آوه بسیار مسن است عشق خودرا به ازخود جوان تر بسیار ومحبوبهٔ ان خود خوردسال تر فشنگ تر انتخاب نما مگر این اظهار عشق او عشقی نبود که یقین باور کرده شود بعدار آن به طرف مقصد مهم خود توجه نموده وباوجود پیغام روز گذشتهٔ محبوب نامهر بان خود سز زاریورا حکم نمود که بحضور او رفته وباو دیگر عرض حالش را نماید.

ویولا گفت آقا، اگر باز بگوید که شمارا دوست داشته نمیتواند پس چاره چیست؟ دیوك گفت من قطعاً منع نمیشوم. وبه آنقدر جدیت گفت که من ازمحبت اوصرف نظر کرده نمیتوانم، مثلیکه اولی ویا گفته بود که من اورا دوست داشته نمیتوانم. ویولا شجاعانه مذاکرهٔ خود را ادامه داده گفت شما باید متسلی شوید وفکر کنید که یك زن

اشعار گزیده

انتخاب شاغلی نوازی

نرگس

صبح است و دارد آنگل در سر هوای نرگس
از چشم ما بریزید آبی بپای نرگس

از بهار اقبال امروز سایه کیست
گل کرد تاج بر سر بال همای نرگس

آب و گل نعین این دلکشی ندارد
رنگ شکستهٔ کیست صرف بنای نرگس

همچشم نو بهارم خوابم چه احتمال است
دارم غنودن اما با غنچه های نرگس

بی انتظار نتوان از وصل کام دل برد
گل میرسد درین باغ یکسر فضای نرگس

حیرت برون این باغ راهی نمی کشاید
هر چند رشته باشد چشم از عصای نرگس

مارا باین دودم عیش باختر گل چکارست
همسایهٔ خزانیم زیر لوای نرگس

اقبال اوج گردون گرمی کشود کاری
میل زمین نبکرد دست دعای نرگس

تقلید چند باید در جلوه گاه تحقیق
پامال نور شمع است رنگ لقای نرگس

مضمون بیش یا را آسان نمیتوان یافت
صد سفر و یک الف شد حیرت فضای نرگس

چندا نگه وارمیدیم رنگ خزان جنون داشت
ایکاش داغ دیرست زین باغ جای نرگس

بیدل ز چشم مردم دور ست حق شناسی
کور ست خرمن اینجا چون دستهای نرگس

غزل

د ډاکټر عاصمی انتخاب

هغه څه دی روغ صورت دی — چه بهتر له سلطنت دی
د دنیا دولت که نه دی — له دولت نه نه عزت دی
چه ډېر نه دی تر تو فیره — یو عفت بل صد افت دی
چه سړی له غمه خلاص کا — هغه څه دی قناعت دی
په طاعت که ته لویی کړې — حیطه هغه طاعت دی
چه فایده لری بې شماره — هغه څه دی مصلحت دی
په منت چه ور کول کا — هغه کله سخاوت دی
چه دوزخ دی په دنیا کښې — د ناپوه سره صحبت دی

خپل نیت ښه لره «خوشحاله»
که څه نه دی خوښه نیت دی

ضرب المثل های وطنی

اگر دردش گم شد پند بد گیش خوهست.
احمق را که روی دادی بوی دامادی ازاو مباید.
اگر قدت نمیرسد زیر پایت چقوری بکن.
اگر همه شب ها شب قدر باشد شب قدر بیقدر باشد.
از کوزه همان برون تراود که در اوست.
از همسایهٔ بدیشاه بخدا.
از گوش تا دهن چهار انگشت راه است
اجل موش که میرسد میرود سر گربه را میخارد.
از یک گوشش میرود از دیگرش میبراید.
دم گرسنه خو درا چشم شیر میزند.
از دهانگشتش دهنر سر میزند.
آفتابهٔ گلی کار آفتابهٔ مسی را میدهد ولی روز گرم شدن معلوم میشود.
از آن خرمن که خوشه چین قبض نبینه صاحبش برکت نمی بیند.
از بام افتاد مرجان شکست گردن قربان.

(گرد آوردهٔ آزاد مرحوم)

قطعهٔ کامل

هر کجا

شاغلی آئینه

پدر پیر:

رو بیدار کی آغای گلش را
گذشت از خاصه ری برخیز جانا
خدا کی بر سرش آهسته لنگی
نظام عالم هستی بهم ریشان
ببینا نم چرا ناشادان بنهمند
تو بیزاری ز فرصت ایک خوش باش
چراهستی چنین در خواب غفلت گوش

طفلک و پیغام:

الا آقای گلم از خواب برخیز
همیگوید ترا هر روز با با
چو رنجوری که نقش بستر افتد
نه ما و تو بی پدر راضی زخویت
کنی بد از خوابی را بهانه
کنون برخیز بهر چی خوردن
به آمال و هوس با سای بیرم

آغای گل:

مرا امروز گویا تب گرفته
سرو گشو ا بگو با ما دومی
برای چاشت این کرم خواهم
زیبا لاشم پیرا کین مادو او
هزاران صدقه قربان نثارش
هرا چه خواست بگذشت مهیا
چنین پر درد ما جو ما بسر ما

شاغلی آئینه

که خواب روز بیداری ندارد
که تبل شر هشیاری ندارد
که کاری وقت بیکاری ندارد
که اندر دل هوا داری ندارد
که دانا در جهان خواری ندارد
که او تنها از گو بیزاری ندارد
عزاز چه بنا زآری ندارد

برای تل شنا یت شو بیا لا
که نارفت از چه رو برخیزی از جا
تو رانتیلی و فتنی سر ایا
چه خواهیشد سرانجامت خدایا
کهی دود سرو که لنگش یا
فرصیل و بفر مبا و بفر ما
که اندر گریه و زاری ندارد

بیان د عشق او محبت کومه

شاغلی «مفتون»

به خواب [illegible] لکه لیر دی
[illegible] د عشق او محبت کومه
خوب مو لیدلی دی [illegible] کوری
[illegible] د عشق دی تعبیر و کوری
یاوا تو یې افسانی واوری
د یسارد مینی ترانی واوری
شرح به و کړمه تقریر و کوری
[illegible] کوری
تولی مخبری د مکت کومه
بیان د عشق او محبت کومه
نه کور نه اور لرم نه ورانه
خلق [illegible] لرم نه زرانه
بیجوده گرزمه آشنا لنوم
په شپه کښې ستوری د سپا لنوم
په زړه کښې مینه د دلبر لرمه [illegible] بل نه تهمت [illegible]
غم د دنیا نه د دولت کومه
بیان د عشق او محبت کومه
مرمه د خلقو له بیغور [illegible] ورک یم له کلی [illegible]
دشی او ورلمې می زړه اده
د یار د وصل می سر دا ده
شومه رسوا د عشق له زوره شمرونه وایم [illegible]
تل دا شما رو کتابت کومه
بیان د عشق او محبت کومه
لیوتی کړمه مجنون به زړه سوزم به هجر کښې ز یون به زړه
مفلس عاشق یم خوشحالی کومه
له نا بجو سره [illegible] کومه
نه سکندر نه افلاطون به وم [illegible] خلقو کښې د مفتون به زړه
دگل اندامې شکایت کومه
بیان د عشق او محبت کومه

یکساعت ورزش دماغی

معما

باسم صدیق

شاغلی خلیل

نیاز سر یاد تو ندارد بضمیر — هر کس سر خیل و فال دارد چو خلیل

صورت حل آنها تا سه شنبهٔ آینده پذیرفته میشود.

چیستان

ارسالی شاغلی خلیل

نیست آن شکل آسمان کردار — آفتاب اندرو گرفته قرار
نعمت و محنت است آثارش — آسمان را چنین بود آثار
که خورد زینهار بر اعدا — گاه احباب را دهد زنهار
ناظم کارهاست بی تدبیر — کاشف رازهاست بی گفتار
زو یکی را اشارت است بنعمت — زو یکی را اشارت است به دار
عاشق زار نه و یکرا او — زار و خسته بسان عاشق زار
هست لاغر تر از میان صنم — هست کوچکتر از دهان نگار
نیست مار و چو مه رجفه شده — و ندر او مهرهٔ چو مهرهٔ مار

حل آن تا سه شنبه پذیرفته می شود.

نزد هر یک چند افغانی بود؟

ارسالی شاغلی قوت الدین خان

احمد و محمود در بازی شطرنج شرط بندی نمودند احمد دانست که اگر محمود یک افغانی بیازد تعداد پول محمود در برابر پول وی نبود و اگر خود او یک افغانی بیازد در آن وقت تعداد پول وی از تعداد پول محمود دو میشود آیا شما گفته میتوانید که نزد هر یک از ایشان چند افغانی موجود بود؟

حل آن تا سه شنبهٔ آینده پذیرفته میشود.

برای خنده

خانم ها و حساب

یکی از مکاتب اعلانی به مضمون ذیل به دروازهٔ خود نصب کرد:
یک کورس قصیر المدت برای تعلیم حساب برای خانمها افتتاح میشود و داوطلبان اسمهای خود را ثبت کنند.
شخصی ظریف آنرا خوانده در زیر آن بخط درشت چنین نوشت: «افسوس که خانمها اصلا اهل حساب نیستند.»

پول بخشش

یکی از شخصی که پس از مدت توقف از هوتل خارج میشد یک پول سیاه در دست پیشخدمت گذاشت و آهسته گفت اینرا به صحت من بنوشید.
پیشخدمت که به پول نگاه کرد پیشانی خود را نرش کرده گفت: تشکر اولی آقا اگر خاطر داشته باشند سال گذشته برای همین مقصد یک پوت پنجی بمن لطف کرده بودند.
مهمان که شخصی حاضر جواب بود جواب داد: درست است اما امسال صحت من بهتر شده است و احتیاج کمی به دعای شما دارد.

بیچاره دکتور

موتر سواری شخص پیاده را زده گردید و در یک قریهٔ کوچک زیر چرخ موتر صدمه زد و برای آنکه معلوم کند صدمهٔ او کاری است یا سطحی فرود آمده او را بموتر بر داشت و بملاقات پرسید: آقا شما دکتور را بمن نشان بدهید تا شما را نزد او ببرم.
مهاتی زحمتش جواب داده زحمت نکشید دکتور قریه خودم میباشم. «ارسالی شاغلی وریخ»

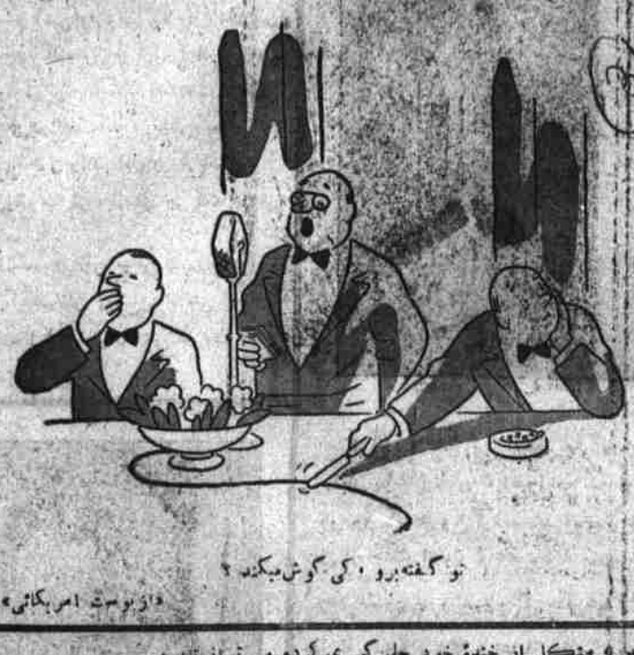

«تو گفته برو، کی گوش میکند؟»
«از پوست امریکائی»

فصل چارم

سازش ماریا که به مقصد مسخره نمودن مالوالیو بود خیلی ترشرو [illegible] این سازش عبارت از تحریر یک مکتوب عاشقانه که عیناً مانند خط بی بی او بود انشاء کردیده تا اورا باین فکر اندازد که این مکتوب از جانب بی بی او بود و برای جلب محبتش تحریر گردیده است. ماریا مکتوب را بشوق بیجا نبده و به اختیاط تمام برا هیکه مالوالیو از آن می گذشت افگند و سازش کاران دیگر خود را نیز دعوت نمود تا عقب یک پنهان شده و از آنجا نظاره و تماشای واقعه را نماید پس خودش و سر تویی و سر اندریو آنجا منتظر نشسته مانند صید خود بدام گرفتار شدند.

درین هنگام مالوالیو آمده در آفتاب قدم میزد و مشغول تصورات خویش بوده فکر میکرد که او یکشخص فوق العاده است و بی بی او نیز این را میدانست که مالوالیو شخص غیر معمولی و فوق العاده است و بی شک از تمام اشخاصیکه با او هم سلک و شریک ملازمت میباشند متفوق و برتر و بغیر از بی بی خود که او نیز یک شخص غیر معمولی بوده است. و ماریا بارها باو گفته بود که او لاویسا را بقدری محترم میداند که هیچ کس دیگر را به آن درجه قابل احترام نمیداند و باو بسیار اعتماد دارد.

پس باین تصورات سبلهٔ خودرا فراخ گرفته و به آفتاب قدم میزد و فکر میکرد که پس واقعات عجب رخ خواهد داد که دفعتاً چشمش بکاغذ سفیدی که پیش پایش افتاده برخورد، خم شده آنرا از زمین برداشت و گفت ببینم که این چه خواهد بود. اشخاصیکه عقب تپه پنهان بودند به مشکل از خندهٔ خود جلوگیری کرده می توانستند.

گفت قلم بحیرت من این تحریر بی بی منست «واز هم چنین ث، س، ب، س، ث، س» را مینویسد این حروف بود که لاشه تحریر خود اوست. بعد از آن پاکت را دور داده و این جمله را خواند که بمحبوب نامعلوم من این مکتوب و آرزوهای نیک من تقدیم مالوالیو هیچ الت نداشت که خود را مستحق این خطاب بداند. بمدار اندکی تذبذب عزم قطعی باز کردن پاکت را نموده و از مشاهدهٔ این ذیل حالت عجیبی براو مستولی شد. (که من دوست میدارم مگر کدام اوی من حرکت نمیکند که مبادا کسی بداند. گفت آه اگر این تو باشی مالوالیو و این سخن را به آواز بلندتر تکرار نمود که زیاده تر باعث خوشی و خندهٔ شنوندگان پنهان شده اش گردید. بعد از این ابیات را دیده و شروع بخواندنش نمود که من قین میکنم که کجا و کدام کس را پرستش میکنم. لاکن بخاموشی - بصورتیکه بدون جریان خون قلب من زخمی میباشد، و ای بر قلب من و حیرانی من حکمرانی میکند.

مالوالیو متفکرانه بخود گفت اجازه بده تا ببینم من معین می نمایم که کجا فریفته شده و که را پرستش مینمایم».

شاید که او مرا معین نماید و وقتیکه این تصور فرحت انگیز بدماغش خطور نمود فریاد نمود و باز بطرف حروف م، د، ا، ی، دید و گفت اگر بدانم که این ابیات و این مکتوب حقیقتاً بنام من است من خدمت اورا نموده و هر حکمی که برمن تحمیل نماید بخوشی اجرا مینمایم.

و باز بدقت بآن نظر میکرد. درین وقت آن هرسه فریبنهان شده گان کامل تنه های خود را از پشت بتیرون کشیده بودند تا به بینند و بدانند که این حروف را چه تعبیر خواهد نمود زیرا که دیگر حس و چشم برای او باقی نمانده بود که بغیر از این مراسله سحر انگیز دیگر چیزی را به بیند.

با او همدم بستر گردیده بچهرهٔ غم والم تبسم نموده بالاخره به مجسمهٔ خاموشی شبیه و تبدیل گردید. آیا این عشق نبود؟ و یولا سخن خود را ادامه داده وقصد کرد که زیاده تر ازین شیوه های مردی و رشادت را از خود بروز دهد و گفت ما مردها بسیار قسم یاد میکنیم بسیار عهد میبنائیم. بسیار به محبت قائم بوده اظهار عشق و وفا ایثار میکنیم. پس بعهد و سوگند خود قائم بوده و آنرا استوار میداریم. مگر محبت ما کم دوام بوده و زوال پذیر است.

دیوک پرسید بچهٔ من! راستی خواهرت به عشق مرد؟ و یولا سر خود را شور داده به نهایت حزن و ملال گفت: بلی آقا، من نمیدانم که حالا خانهٔ خواهر پدر خود میباشم یا برادر (بچهٔ خانهٔ پدر خود میباشم یا دختر آنها) بعد از این ترسید که اگر زیاده تر چیزی گوید مبادا راز خودرا افشا نماید. پس سخن خود را قطع نموده به تبدیل لهجه و آواز گفت، آقا من حالا بحضور آن خانم بروم؟ دیوک گفت بلی مقصد اصلی او هم همین است. این را گفته وخودرا از حالت غم انگیزی که قصهٔ خواهر سر زار یو بروی عرض کرده بود، و فکر خود رفته بود که چگونه محبت آن دختر خورد سال نسبت به عشق خودش به اولی و یا بلند تر بود. او بسیار کاف عشق و محبت را میزد که هیچ عاشق را بخود برابر نمی دانست. با وجود آنهم هیچگاه حس مردن را ننموده بود و آن دختر به عشق و کنمان آن جان سپرده حیات خودرا وقف معشوق خود نمود!

گفت، بلی به تعجیل برو و بگو که قلب من هیچ توقف را برداشت و هیچ ممانعت را قبول کرده نمی تواند.

حل معمای منقوش هفتهٔ گذشته

(32)

صورت حل آن قرار ذیل

طریق حل :

۱- از «تیر» دو حرف اخیر حذف شده در نتیجه «ت» حاصل می شود .

۲- از «پروانه» دو حرف اول حذف شده، در نتیجه «وانه» باقی می ماند و واو «الف» تبدیل شده «وانا» میماند

۳- گوشهٔ کتاب رسم شده و برحسب منصرف شدن از ۳ حرف اولیه تنها «ب» باقی می ماند .

٤- حرف اول چون از «دوده» تقلیل یافته «ود» بدست می آید .

٥- از رسم خورشید که در فارسی مهر نیز گفته می شود نصف اول رسم نشده لهذا از آن «هر» می ماند .

٦- پهلوی «ك» نه رسم شده که حرف اول آن محذوفست بالنتیجه «که» برمی آید .

۷- از «داس» چون حرف اخیر برداشته شده «دا» می شود .

۸- حرف اخیر «ك» حذف شده به «نا» مبدل میشود .

۹- کلمهٔ اخیر بوت حذف و بجای آن ٤ که بحساب ابجد دال است وضع گردیده یعنی «بود» نکتهٔ که در نتیجه از آن برمی آید عبارتست از :

توانا بود هر که دانا بود

کسانیکه بحل آن موفق شده اند ، شاغلی نجیب الله خان منصوری متعلم نجات ، شاغلی غوث محمد خان ، شاغلی سید امان الدین خان متعلم نجات .

حل معما باسم ملك :

در کلمهٔ (تاك) که لفظ (تا) تبدیل به (مل) شود اسم ملك واضح میگردد کسانیکه آن را حل کرده اند شاغلی عبدالوهاب خان ، شاغلی محمد کبیر خان شاغلی محمد اصف خان رخشان ، شاغلی مینه ور

تعداد بیضه ها ۲۷ دانه بود

کسانیکه بحل آن موفق شده اند عبارت اند از شاغلی محمد نواب خان ، شاغلی محمد آصف خان رخشان ، شاغلی محمد رحیم خان ، شاغلی سید امان الدین خان متعلم نجات .

چیستان هفتهٔ گذشته قطعهٔ بازی است

کسانیکه آن را حل کرده اند شاغلی عزیز الله خان متعلم مکتب نمره ٦ ، شاغلی مینه ور ، شاغلی آصف رخشان ، شاغلی محمد کریم خان ، شاغلی محمد رحیم خان ، شاغلی محمد عالم خان .

حل معما باسم علی

از چشم (عین) و از زلف (لام) و از دل ریان حرف وسط کلمهٔ (بریان) (ی) را اراده نمود مگر مولینا درین معما کمال استادی را بخرج رسانده که در لفظ بکشا و بشکن و تسکین فتح و کسره و سکون را هم اظهار کرده است که از حروف مذکوره با ادای حرکات اسم علی بظهور می آید .

کسانیکه بحل آن موفق شده اند عبارت از شاغلی آصف خان رخشان ، شاغلی مینه ور شاغلی محمد اکبر خان ، شاغلی معروف جان شاغلی فضل محمد خان .

The Premier of

Bulgaria

چارجیا صدراعظم بلغاریا که برای مذاکرات بمسکو رفته بود قرار خبر بمسکو مذاکرات خویشرا باستالین و مولوتوف در فضای دوستی و همکاری خاتمه داده و به صوفیه روانه گردید .

محاکمهٔ هجده نفر المانی

منسك ، دیروز در منسك محاکمهٔ هجده نفر منصبداران المانی که سابقاً در روسیه سفید مرتکب مظالمی گردیده بودند آغاز گردید .

نطق صدر اعظم ایران

(33)

در

جلسهٔ علنی شورای آن مملکت

آقای نخست وزیر بیانات خویش را دنبال نموده سه نقطه ذیل را توضیح فرمودند :

اول- چنانچه در تعقیب مذاکرات تهران و مسکو درباره روشن ساختن مسایل و تأیید روابط پیش نهاد نمودیم بمسکو برویم و از نزدیك کارهائیکه داریم انجام بدهیم جوابی نرسید لابد تقاضا نمودیم- مسئله ایران عبارت از بیرون بردن عساکر بیگانه از خاك این کشور و جلوگیری از آزادی عمل دولت برای اصلاح کشور به مجلس وزرای خارجه در مسکو پیش شده و هر گونه تصمیمی که درین باره اتخاذ شود و مربوط به امور ایران باشد با مشورت به عمل آمده و بدون مشوره دولت ایران صورت نگیرد. برحسب این پیش نهاد دولت ایران- دول سه گانه بزرگ انگلستان امریکا و روسیه توضیح نمودند که اگر دولت ایران موافقت داشته باشد دول سه گانه کمیسیون مشترکه جهت مطالعه وضعیت به ایران ارسال خواهد نمود دول موصوف با این اظهاریه خویش وسایل مربوط به کمیسیون را نیز به دولت آشکار ساختند. ما به این اظهاریه جواب رد دادیم مکرراً از ما استفسار بعمل آمد تا نظریات خود مان را درین باره آشکار سازیم برحسب این تقاضا دولت توضیح نمود که اگر کمیسیون مذکور برای مدت کوتاهی که عبارت از چند ماه باشد تعین شده و با همکاری نمایندگان ایران اعلامیه طهران را مد نظر گرفته موجبات تخلیه ایران را قبل از تاریخ دوی مارچ ۱۹٤٦ فراهم آورد و وعده نمایند که دولت ایران کمك کند موافقت داریم منظور دولت اینست تا نیروی خارجی از خاك ایران خارج و دست دولت برای اصلاح مملکت آزاد شود . توقف بیجای عساکر اجنبی در خاك ایران و مداخله بیگانگان در تمامی شئون این کشور ما را از اقدام در راه اصلاح باز داشته است در هر صورت تا کنون راجع به این پیشنهاد دولت جوابیهٔ از طرف دول سه گانه داده نشده است بدیهی اگر موافقت مینمودند و یا اطلاع داده می شد مسئله بلافاصله به شورای ملی رویت داده می شد و چون تا حال از طرف آنها جوابی داده نشده لهذا به شورای ملی نیز مراجعه نگردیده است .

۲- کشور ایران که مساعدت های شایانی بامتفقین خویش نموده و دول سه گانه از خط آهن راه ها و تمامی منابع ایران استفاده نموده اند توقع داشت تا هر چه زودتر نیروهای آنها خاك ایران را ترك گویند و آرزومند بود تا دول مذکور به وعده های خود عمل نموده و خرابی های این کشور را ترمیم نمایند . اما متاسفانه ماه هاست که جنگ تمام شده و هنوز هم عساکر بیگانه که تعین شده بود قبل از تاریخ دوی مارچ ۱۹٤٦ از خاك ایران بیرون برونده در این خاك توقف دارند . دول مذکور در تمامی کارهای دولت ایران مداخله می ورزند بهر طریق چون نتیجه مذاکرات بین تهران و مسکو معلوم نشد ناچار دولت به ریاست هیئت ایران در مجلس ملل متحده دستور داد تا موضوع ایران را به مجلس مذکور پیش نموده و درخواست های لازمه را به مجلس شورای امنیت تقدیم نماید .

۳- در خاتمه لازم می دانم اظهار کنم که سید حسن تقی زاده بر خلاف بعضی ادعاها یکی از وطن پرستان حقیقی بوده و در هر شغلی که برای آنها تعین شده است مصدر خدمات خوبی گردیده اند. این شخص شریف وطن پرست ریاست هیئت آیندگی ایران را در مجلس ملل متحده دارد . دولت ایشان را به این وظیفه عهده دار ساخته و مشارالیه نیز به اجرای وظایف خویش مشغول بوده و دولت از ایشان رضایت داشته خدمات نامبرده و هیئت ایران را در مجلس ملل متحده تقدیر میدارد دولت امیدوار است آقای سید حسن تقی زاده با خوبی از وظایفی که به عهده دارند بدر شوند .

بعد از بیانات آقای نخست وزیر جلسه ختم و جلسه آینده بروز شنبه ساعت ۹ صبح موکول گردید .

قرار معلوم مجلس فردا جلسه خصوصی تشکیل خواهد داد . (پاختر)

Dr. Schat.

دکتور شخت وزیر اقتصاد ملی و رئیس (رایش بانك) المان که اخیراً محاکمهٔ او در نورمبورگ شروع گردید نامبرده چهار سال قبل از جنگ اظهار داشته بود که مستعمرات برای المان ضروریست و اگر ممکن شد آنرا ذریعهٔ مذاکره والا به اعمال قوه بدست خواهد آورد .

Admiral Donates

(35)

ادمیرال دونتس از مجرمین جنگ آلمان که اخیراً محاکمهٔ او شروع گردید . فلی مور عضو هیئت قضائی انگلستان در محاکمهٔ دونتس برای اثبات این ادعای خویش که دونتس یکی از طرفداران جدی هتلر است اسنادی را قرائت کرد که ادمیرال مذکور به عملهٔ تحت البحری ها امر نموده بود حملهٔ کشتی های مفروقهٔ متحدین را با خود نبردارند .

امشب

(34)

در رادیو کابل

پنجشنبه دجدی ۲۷

دشبی له ۷ تر ۹ بوری

دقیقه - ساعت

۰ - ۷ کلیوالی سندری ، مسکین

۱۰ - ۷ دوو ویرو گرام

۲۰ - ۷ سازو آواز ، استاد قاسم خان

۳۵ - ۷ سارنگ ناظر خان

۴۰ - ۷ پښتو خبرو

۰ - ۸ فارسی خبرو

۲۰ - ۸ کلیوالی سندری ، درج

۴۰ - ۸ کلیوالی سندری ، مسکین

۴۰ - ۸ سازو آواز استاد قاسم خان

۵۸ - ۸ وروستنی خبرو

۰ - ۹ پاچائی سلام ، ختم

فردا

(36)

جمعه دجدی ۲۸

د کبهغ له ۹ تر ۱۱ بوری

دقیقه - ساعت

۰ - ۹ دقران کریم تلاوت

۵ - ۹ دقران کریم تفسیر

۲۰ - ۹ پښتو خبرو

۳۰ - ۹ فارسی خبرو

۴۰ - ۹ کلیوالی سندری - پیلتون

۵۰ - ۹ کلیوالی سندری ، بیرل خان

۰ - ۱۰ سازو آواز ، نتوخان

۱۵ - ۱۰ مدم ، شاهین

۲۲ - ۱۰ کلیوالی سندری ، پیلتون

۴۲ - ۱۰ کلیوالی سندری ، بیرل خان

۴۲ - ۱۰ سازو آواز ، نتوخان

فرداشب

(37)

دشبی له ۷ تر ۹ بوری

دقیقه - ساعت

۰ - ۷ پښتو لوست

۵ - ۷ سازو آواز استاد غلام حسین خان

۲۰ - ۷ مضمون (صحی)

۳۰ - ۷ کلیوالی سندری محمد اسماعیل خان شوقی

۴۰ - ۷ پښتو خبرو

۰ - ۸ فارسی خبرو

۲۰ - ۸ سازو آواز محمد عمر خان

۳۰ - ۸ مدم استاد معراج الدین خان

۴۵ - ۸ سازو آواز استاد غلام حسین خان

۵۸ - ۸ وروستنی خبرو

۰ - ۹ پاچائی سلام - ختم

Editor of the

"Badakshan"

شاغلی میر امین الدینخان انصاری مدیر اخبار بدخشان که خبر تقرری شان را در شمارهٔ (۲۳٦) انیس به اطلاع مطالعین محترم خویش رسانده ایم .

The new Director of

Publications Baghlan

شاغلی سید مسعود خان مدیر جدید مطبوعات بغلان که خبر مقرری شان را به این وظیفه در شمارهٔ (۲۳٦) از نظر مطالعین انیس گذشته است .

۳٦۸٦۳ افغانی

(38)

اعانه

قندهار تجارا نفرادی و شرکتهای قندهار اعانه دیل زمستانی را رای محبوسین تقدیم ریاست اطاق تجارت نایب الحکومه گی کرده اند که با تشکر پذیرفته شده است :

۱- شرکت پشتون ۳۹۳۵ افغانی

۲- شرکت وطن - ۳٤۲٦ - «

۳- شرکت ویسا - ۲۲٥۰ - «

٤- شرکت میوه - ۱٤٥۰ - «

تجار انفرادی تا کنون مبلغ ۲٤٥۷۰۷ افغانی را بابحث اعانهٔ مذکور تقدیم نموده اند که باین صورت مجموعی اعانه فوق به ۳٦۸٦۳ افغانی بالغ گردید است .

یك دسته از زعمای نازی

(39)

A rare photograph of Nazi War Criminals.

این عکس که گروپی از سر دسته های مهم نازی آلمان را نشان میدهد، در تابستان گذشته در نورمبرگ که محل محاکمهٔ مجرمین بندیهای عالی رتبه انگلو - امریکن تعین گردیده برداشته شده اسمای این لیدران نازی از چپ براست تصویر بدینقرار است :

قطار اول : لمرس ، فون ایپ ، گویرنگ ف ، ایکس شوارتس ، میسنر .

قطار دوم : فون ریبن تروپ ، فونك ، پوهلی ناگل ، ف شوارتس ، یواخس ، سالمان

قطار سوم : کریت سینگر سپس انکارت کروز فون گووزیك سلدتلی ، سشنتش کلر نگ

قطار چهارم : ترانك ، بلاسکو ویتس ، ریك ، برندت ویگبز ، روزن برگ ، فریك ، شتراپشر

قطار پنجم : جودلدت لفزن ، رینکپه ، جودل ، واگنر فون ایسن ، لوبده نورات ، بور گنر

قطار ششم : دونتس ، فون فریندشترولین ، وارلی مونت بوخ ، کایتل ، اد نیدن نبفید

بعضی از این لیدران همچون فون ایپ والی بوبربا فرانز شوار تز خزانه دار نازی لیمر رئیس صدارت آلمان بیشتر در داخل نظام جدید شهرت داشتند اما آنانیکه مشهور و جهانند مانند گویرنگ فون ریبن تر وپ وزیر خارجه ، سپس انکارت رایش کشنر ندراند وجنگ آوران هتلری همچون جنرال الفریدیودل و گراند ادمیرال کرل دونتز در نورمبرگ محبوسند و مجرمین مخالف بشریت شناخته شده و منتظر محاکمهٔ بین المللی اند

کاول می خواهد که در بمبئی انتخابات کاملاً آزاد باشد

(40)

بمبئی ، جان کاول ها کم بمبئی اظهار داشت که حکومت اراده دارد که در علاقهٔ حکومتی بمبئی انتخابات آزاد بعمل بیاید و هیچ اغتشاش در انتخابات صورت نگرفته و از کسی بکسی فشار وارد نگردد .

(41)

انیس

نامهٔ دیگرانه

نمرهٔ تیلفون (۲۲۰ مرکز کیبل)

شرح اشتراك :

در پایتخت یك سال ۳٥ - افغانی

ولایات ٤۰ - «

خارج ۲ پوند

برای شاگردان مکتب نصف قیمت

قیمت اعلان ها را لطفاً با دفتر روزنامه مفاهمه کنید

درمطبعهٔ عمومی کابل چاپ شد